



## نقش دولت در ارتقای حق بر آموزش با تأکید بر آموزش سلامت

فروغ قاسمیان هفشجانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
ggasemiyanarezo@gmail.com

یاسر روستایی حسین آبادی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
Yasserroostaei@yahoo.com

### چکیده

در ارتباط با حق بر سلامت و آموزش آن، دولت‌ها و سازمان‌های دارای مسئولیت‌ها و وظایف متعددی می‌باشند. مقوله آموزش مدنی در بسیاری از کنفرانس‌های علمی بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و دامنه بحث و تحقیق در آن در حال افزایش است. آموزش سلامت عبارت است از آموزش مسائل مربوط به سلامت به افراد جامعه؛ به عبارتی دیگر به فرایند آموزشی مرتبط با فراهم کردن ترکیبی از رویکردها برای تغییر سبک زندگی که می‌تواند به افراد، خانواده‌ها و جوامع در تصمیم‌گیری آگاهانه درباره موضوعاتی که در بازیابی، دستیابی و حفظ سلامت مؤثر است، کمک نماید آموزش سلامت می‌گویند به گفته بیگمن، می‌توان گفت که فلسفه تشکیل هر نهاد یا سازمانی پاسخگویی به یک نیاز یا نیاز خاص است و از این رو نظام آموزشی برای تربیت و ارائه شهروندانی کارآمد و مطلوب شکل گرفته و تقویت می‌شود. ارزش‌های اجتماعی در جامعه این موسسه در درجه اول وظیفه آموزش و آماده‌سازی نسل جدید برای جامعه امروزی را بر عهده دارد و هدف آن آشنایی افرادی است که می‌خواهند در جامعه زندگی کنند با اصول، قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مورد نیاز جامعه. البته نه به گونه‌ای که کاملاً با آن تطبیق و هماهنگی داشته باشند، بلکه باید بتوانند دانش جدیدی را در فرهنگ خود کسب کنند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیف تحلیلی نقش و جایگاه دولت در ارتقای حق بر آموزش با تأکید بر آموزش سلامت بررسی می‌گردد. بنابراین در مرحله اول امید مردم از آموزش و پرورش تربیت دانش‌آموزانی است که در جامعه زندگی کنند، کار نیک انجام دهند و با مردم ارتباط خوبی داشته باشند و بتوانند رویدادهای اجتماعی را نیز به درستی سازمان‌دهی کنند و زوال‌ناپذیر باشند.

**کلیدواژه‌ها:** دولت، حق بر آموزش، حقوق ایران، حق بر آموزش سلامت، حق بر تحصیل، حقوق بشر.



## مقدمه

حق مطالعه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر یک حق ذاتی تلقی می‌شود و به همین دلیل در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌طور ضمنی و صریح بر این حق تأکید شده است. اصول مهمی نیز برای درک پتانسیل یادگیری بدون توجه به جنسیت در این کتاب‌ها ارائه شده است. یکی از آن‌ها اصل آموزش رایگان و اجباری است، دیگری اصل آزادی آموزش است که همه دولت‌ها برای داشتن این حق موافق‌اند که به آن احترام بگذارند (برزگر بفرئی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). آموزش علاوه بر این که یکی از مصادیق مهم حقوق بشر است، ابزاری مهم برای تحقق سایر مصادیق حقوق بشر نیز به شمار می‌رود. تضمین و اجرای حق آموزش مقدمه تضمین و اجرای سایر مصادیق حقوق بشر می‌باشد. حق بر آموزش ابتدائاً در قامت یک اصل کلی و منعطف که فاقد تعهدات حقوقی مشخص و الزام‌آور بود، در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفته شد. به علت تفاوت‌های بنیادینی که در نظام‌های حقوقی - سیاسی دولت‌ها وجود داشت، توسعه و تقویت حق مزبور به نظام‌های حقوقی منطقه‌ای و داخلی سپرده شد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۵). حق آموزش به‌طور عام و حق بشر بر آموزش و شهروندی به‌طور خاص از جمله حقوقی است که به وضوح در اسناد بین‌المللی تنظیم شده و تعهدات ناشی از آن بر دوش دولت‌ها، والدین و جامعه بین‌المللی تحمیل شده است. این وظیفه دولت است که آموزش حقوق بشر را فراهم کند، این وظیفه آن‌هاست که فضای مادی و غیرمادی لازم برای اجرای آن را فراهم کنند. مفهوم و شکل تعهد دولت به حقوق بشر و آموزش شهروندی، تعهد به رعایت، حمایت کامل و اجرای آن و تعهد به اجرای فوری و تدریجی آن و تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶). با توجه به مباحث مطروحه مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی و تبیین تعهد دولت به تحقق آموزش به عنوان حق شهروندی و حق بر سلامت می‌باشد. امید است با این پژوهش بتوان آموزش که نهادی حقوق بشری و جزو اساسی‌ترین و اولین حقوق انسان به شمار می‌رود را ترویج داد و نقش دولت‌ها را در جوامع ارتقاء و ترویج این حقوق به‌درستی مشخص نمود. آموزش یکی از حقوق اساسی بشر است که در اسناد مهم بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک حمایت شده است. در بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی حفاظت شده گنجانده شده است، اما در اجرای آن جهان با چالش‌های بزرگی مواجه است. نقض انسانی این به اندازه نقض جدی حقوق بشر است، فقط باید توسعه یابد تا مردم به اهمیت این موضوع آگاه شوند. در این مسیر پرفرازونشیب، تکلیف احترام، حمایت و احقاق کامل و فوری حق آموزش بر دوش دولت‌ها است (هابلی، ۲۰۲۲: ۱۶).

## ۱. مفهوم آموزش و تربیت شهروندی

آموزش مدنی مفهومی بحث‌برانگیز است. گیلی در تبیین مفهومی تربیت شهروندی سه مؤلفه مرتبط با هم را تحت عنوان دانش مدنی، مهارت‌های مدنی و نگرش مدنی مورد توجه قرار داده و آن‌ها را یکی از عناصر اصلی تعریف شهروندی می‌داند. وی سه عامل فوق را در نظر می‌گیرد: د. دانش شهروندی مفاهیم اساسی و اطلاعاتی است که فراگیران برای تبدیل شدن به شهروندانی مسئول و مؤثر در یک دموکراسی باید بدانند و به کار گیرند. مهارت‌های شهروندی مهارت‌های فکری موردنیاز برای درک، تفسیر، مقایسه و ارزیابی سیاست‌ها و عملکردهای دولت و شهروندی است. مهارت‌های شهروندی همچنین شامل مهارت‌های مشارکتی است که شهروندان را قادر می‌سازد تا بر سیاست‌های

1. Hubley



دولت نظارت کرده و بر آن‌ها تأثیر بگذارند. نگرش شهروندان شامل شخصیت، احساسات، تعهد مورد نیاز برای حفظ و گسترش حکومت دموکراتیک و ملیت است. نمونه‌هایی از نگرش شهروندان عبارت‌اند از: احترام به ارزش‌های انسانی، صداقت، بردباری و تساهل، شفقت و میهن‌پرستی، تعهد به حقوق بشر، منافع انسانی، برابری و اجرای قانون (مک کروکلین؛ ۱۹۶۵: ۳) گویاگی تربیت شهروندی را توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش شهروندی در فراگیران می‌داند. فرآیند شهروندی را آماده‌سازی جوانان برای ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های شهروندی تعریف می‌کند (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که مفاهیم اخلاقی، زیست‌محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مباحثی مثل مردم‌سالاری حقوق، احترام، برابری، آموزش اخلاق و مهارت زندگی را شامل می‌شود. آموزش شهروندی به میزان وسیعی شامل آماده‌سازی جوانان برای انجام نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان به عنوان شهروند است. آموزش شهروندی را می‌توان درسه بعد شناختی یا دانشی، عاطفی یا ارزشی و رفتاری تقسیم کرد. درحوزه شناختی یا دانشی تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره ساختار حکومت، روابط حکومت و مردم و ساز و کارهای توزیع قدرت است در واقع درحوزه شناختی دانش آموزان به آگاهی شهروندی دست می‌یابند. آگاهی شهروندی شامل ایده‌ها و اطلاعات اساسی است که برای تبدیل دانش آموز به یک شهروند مسئول و مؤثر لازمند. در بعد عاطفی یا ارزشی یا فضیلت‌های شهروندی، مواردی همچون احترام و ارزش به شأن و حرمت افراد، میهن‌پرستی خود انطباطی تساهل و همبستگی یا وحدت، احترام به حقوق دیگران تمایل به نقادی می‌باشد. درحوزه رفتاری یا مشارکت، تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه شهروندی است. توانایی انجام گفتگو مؤثر با دیگران، شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی همچون رأی دادن است (فرمهمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۴۴).

## ۲. تاریخچه آموزش شهروندی و حقوق بشر از منظر اسناد و قوانین بین‌المللی

نگاهی گذرا به تحولات نیم قرن اخیر امروز نشان می‌دهد که جامعه جهانی دیگر نمی‌تواند ادعا کند که حقوق بشر و حقوق شهروندی از مشکلات داخلی دولت‌هاست و دولت‌ها این حقوق را زیر پا می‌گذارند یا این حقوق را ترویج و حمایت می‌کنند. امروزه احترام به حقوق بشر و شهروندی در کنار دموکراسی به عنوان عاملی برای ارزیابی مشروعیت دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد تا جایی که نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر توسط یک دولت می‌تواند منجر به «مسئولیت بین‌المللی» یک دولت شود. جامعه جهانی پس از گذر از مرحله استانداردسازی به حقوق بشر، بحث ایفای تعهدات قانونی مطرح شد، سپس مشکل «تبلیغ و آموزش این مفاهیم» افراد و اقشار مختلف به ویژه آموزش آن مطرح شد. و ارتقاء در مدارس هدف نهایی آموزش و اشاعه و توسعه حقوق بشر و حقوق شهروندی ایجاد تفکر حقوق بشری و در نهایت ایجاد «فرهنگ حقوق بشر» است. بریم سراغ اعلامیه کوروش کبیر و سخنرانی پیامبر (ص) در اسلام، حاج الوداع، که در مورد ثروت زندگی انسان و حفظ آبرو در قرن هفتم پس از میلاد صحبت می‌کند، من آغازهای اولیه اعلامیه حقوق بشر در قرن سیزدهم در انگلستان را «منشور مگنا مارتا» می‌نامم. در ماده ۶۳ آمده است که «پادشاه انگلستان خدا را گواه می‌گیرد که حقوق و آزادی‌های جامعه مندرج در این فرمان را تصدیق می‌کند.» (بسته نگار، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۹). با این حال، تاریخچه آموزش حقوق بشر و تعهدات شهروندی را می‌توان به سال ۱۹۴۸، سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، ردیابی کرد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناختن حقوق بشر گفته شده است. مجمع عمومی ضمن یادآوری عزم خود برای احترام به جهان و حمایت از حقوق و آزادی‌های بشر به عنوان

1. McCrocklin



پایه‌های آزادی، عدالت و صلح، اعلامیه جهانی حقوق بشر را هدف مشترک همه ملت‌ها اعلام کرد. همه کشورها، و در نتیجه همه مردم و همه بخش‌های جامعه، باید از این اعلامیه حمایت کنند و برای توسعه احترام به این حقوق و آزادی‌ها از طریق آموزش تلاش کنند (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۷۶ و ۷۱). در کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران در سال ۱۹۶۸، برای بررسی پیشرفت‌های حاصل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و برنامه‌ریزی برای آینده، از همه کشورها خواسته شد تا از مواد مطالعه استفاده کنند، بنابراین جوانان. توسعه و شکوفایی در محیطی سرشار از احترام به کرامت و برابری حقوق بشر (امیرارجمند، ۱۳۷۸: ۱۶۲). جدای از آن، در سال ۱۹۷۴ بود که پس از تصویب پیشنهاد "یونسکو" در مورد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، آموزش حقوق بشر در اولویت کشورها قرار گرفت. هدف این اعلامیه رساندن حقوق بشر به سطوح مختلف آموزشی و تشویق به انجام اقداماتی برای تضمین تحقق حقوق بشر و حمایت از حقوق بشر و شهروندی بود. از آن زمان، درخواست‌ها و تلاش‌های بین‌المللی دیگری در رابطه با حقوق بشر و آموزش شهروندی وجود داشته است. کنگره بین‌المللی آموزش حقوق بشر که در سال ۱۹۷۸ در وین برگزار شد، این مفهوم را با تأکید بر ضروری بودن حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (که نمونه‌هایی از آن آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی است) گسترش داد. در همان سال، یونسکو اعلامیه‌ای درباره تبعیض نژادی و قومی صادر کرد که بیش از هر سند دیگری در زمینه آموزش به‌طور کلی و همچنین منع تبعیض در آموزش و اعلامیه مندرج در بند ۲ ماده ۵ را شامل می‌شود. از مانیفست این وظیفه دولت است که کتاب‌های درسی را بررسی کند. آموزش در همه کشورها نشان دهنده رفع تبعیض است. و در ماده ۱۰ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹)، دولت‌ها باید اقدامات مناسبی را برای آموزش زنان بر مبنای برابر با مردان و آموزش آن‌ها در مورد نقش زنان اتخاذ کنند. کتاب‌های درسی برای از بین بردن هر گونه کلیشه‌ای و «مردان در همه سطوح باید بازنگری شوند» و با مشارکت ناظران کشورهای جامعه آسیا و اقیانوسیه و آژانس‌های تخصصی مختلف سازمان ملل انجام شد. همچنین در چارچوب رویدادهای چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی (جانی؛ ۲۰۱۸: ۳۶).

در مورد حقوق بشر، مرکز حقوق بشر سازمان ملل در اواخر سال ۱۹۸۸ سمیناری بین‌المللی در ژنو ترتیب داد (امیرارجمند، ۱۳۷۸: ۱۶۲). دامنه آموزش حقوق بشر و شهروندی در سال ۱۹۹۳ با برگزاری کنگره بین‌المللی حقوق بشر و آموزش دموکراتیک در مونترال افزایش یافت. این کنگره با تأکید بر پیوند حیاتی حقوق بشر و دموکراسی و تأکید بر آموزش رسمی و غیررسمی در این مقوله، توجه بیشتر به آموزش در بخش‌های خاص و شرایط بحرانی و رعایت حقوق بشر وظیفه همه مردم، دولت‌ها و افراد و سازمان‌هاست. منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندان آگاه هستند که این زمینه با آموزش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در سایر اسناد حقوق بشر انجام می‌شود. در این کنگره بین‌المللی، برنامه جهانی اقدام در زمینه حقوق بشر و آموزش دموکراتیک به تصویب رسید و هدف از این برنامه تشویق دولت‌ها و جامعه بین‌المللی برای ایجاد فرهنگ صلح مبتنی بر حقوق بشر و ترویج به رسمیت شناختن بیشتر انسان‌ها است. حقوق در سطح ملی و بین‌المللی. علاوه بر این، هدف اصلی این برنامه ایجاد فرهنگ حقوق بشر و توسعه یک جامعه دموکراتیک است. سند مهم دیگر در مورد آموزش حقوق بشر، اعلامیه وین است که در سال ۱۹۹۳ تصویب شد و پنج بند را برای آموزش حقوق بشر ارائه می‌کند (امیرارجمند، ۱۳۷۸: ۱۶۲). «سازمان دهه مردمی آموزش حقوق بشر» اکنون به «جنبش مردمی برای آموزش حقوق بشر» تغییر نام داده است. در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد. این سازمان مستقل، بین‌المللی و غیرانتفاعی است و نیاز به رشد دارد. و پیشگام در یادگیری حقوق بشر، سعی می‌کند آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار گیرد. این سازمان و برخی دولت‌های دیگر مانند دولت کاستاریکا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ بیانیه‌ای صادر کردند و از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ به عنوان دهه آموزش حقوق بشر نامگذاری کردند. از جمله فعالیت‌های پیش‌بینی شده در این دهه، نیاز به تصویب یک برنامه ملی آموزش حقوق بشر است که به‌طور مؤثر تنها در چند کشور از جمله فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی اجرا می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۴: ۳۵). برنامه اقدام دهه

1. Jannie

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



آموزش حقوق بشر همچنین بر لزوم گسترش آگاهی نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در مورد حقوق بشر و شهروندی تأکید کرد. در این سند بر آموزش حقوق بشر بر اساس شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم و همچنین تغییر نگرش مردم از طریق آموزش حقوق بشر و دگرگونی رفتار مردم تأکید شده است و در نهایت "اعلامیه سازمان ملل در مورد آموزش حقوق بشر" در سال ۲۰۱۱ به وضوح تأیید شده است. نشان دهنده یک اجماع بین‌المللی در مورد اهمیت حقوق بشر و آموزش شهروندی است؛ در واقع، این بیانیه از اهداف قطعنامه دهه آموزش حقوق بشر و قطعنامه بعدی تأیید شده توسط کمیسیون حقوق بشر در دستور کار جهانی آموزش حقوق بشر پیروی می‌کند. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۵) آنچه به صورت مختصر در سیر تاریخی حق بر آموزش بطور کلی و حق بر آموزش حقوق بشر و شهروندی بیان شد، مشخص می‌نماید که امروزه بیش از هر زمان دیگر نیاز به نقد و تجدید نظر در موضوع آموزش حقوق بشر و شهروندی دارد. در اینجا لازم است قبل از تبیین مفهوم و ماهیت حق و تعهد دولت در آموزش حقوق شهروندی، نگاهی هر چند گذرا به اهمیت و تعریف آموزش حقوق بشر و نیز به اهداف و محتوای آن از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی حقوق بشری داشته باشیم.

### ۳. مفهوم آموزش سلامت

آموزش سلامت عبارت است از آموزش مسائل مربوط به سلامت به افراد جامعه. به عبارتی دیگر به فرایند آموزشی مرتبط با فراهم کردن ترکیبی از رویکردها برای تغییر سبک زندگی که می‌تواند به افراد، خانواده‌ها و جوامع در تصمیم‌گیری آگاهانه درباره موضوعاتی که در بازبانی، دستیابی و حفظ سلامت مؤثر است، کمک نماید آموزش سلامت می‌گویند. آموزش سلامت در ساده‌ترین تعریف یعنی «آموزشی که منجر به ارتقای رفتار بهداشتی فرد شود.. هدف اساسی آموزش سلامت، تغییر رفتار است، نه افزایش اطلاعات؛ و اگر چه آموزش سلامت اکثراً با ارائه اطلاعات بهداشتی آغاز می‌شود، اما موفقیت آن زمانی است که بتواند رفتاری مناسب با سلامت فرد و جامعه را جایگزین رفتار غلط غیر بهداشتی کند. آموزش سلامت نه تنها با انتقال اطلاعات ارتباط دارد، بلکه با ایجاد انگیزه، مهارت‌ها و اعتماد به نفس موردنیاز برای اقدام جهت اعتلای سلامت نیز در ارتباط است. آموزش سلامت شامل انتقال و تبادل اطلاعات در زمینه شرایط زیربنایی اجتماعی، اقتصادی و محیط تأثیرگذار بر سلامت و همچنین در زمینه عوامل خطر فردی و رفتارهای مخاطره‌آمیز و استفاده از نظام مراقبت‌های بهداشتی می‌باشد. رفتار یک پدیده چندعاملی است و در حوزه تغییر رفتار آموزش سلامت شرط لازم برای تغییر رفتار است اما به تنهایی کافی نیست و نیازمند مداخلات گسترده‌تر است (یازچو و الم، ۲۰۲۲: ۰۹). ارتقای سلامت جامعه شامل سه عامل آموزش سلامت، حفاظت از سلامت و پیشگیری از بیماری است و بدون برنامه ریزی متعادل برای این سه عامل، نمی‌توان به ارتقای سلامت مردم امیدوار بود. سازمان بهداشت جهانی<sup>۳</sup> اهداف و تعاریف زیر را برای آموزش سلامت بیان کرده است:

- ترغیب مردم برای شرکت فعالانه در اقدامات بهداشتی به‌طور انفرادی و دسته جمعی به منظور حفظ سلامت فرد؛
- تجهیز افراد به دانشها و مهارت‌های لازم و نفوذ در گرایشهای آنان به نحوی که بتوانند مسائل بهداشتی خویش را حل نمایند؛
- فراهم آوردن شرایط لازم جهت رشد خدمات بهداشتی؛
- آماده کردن و تشویق مردم برای قبول و نگاه داری عادات بهداشتی؛
- آگاه کردن مردم درباره خدمات طبی و بهداشتی کشور؛
- کمک به مردم در راه نائل شدن به سلامت توسط اقدامات و فعالیت‌های خود آنان به نحوی که بتوانند آمادگی قبول مسئولیت تندرستی خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند را داشته باشند؛

1. Health Education
2. Yazachew & Alem
3. World Health Organization



در دیدگاه‌های جدید، آموزش سلامت کانون اصلی جنبش‌های نوین سلامت عمومی است. در این دیدگاه‌ها، تأثیر محیط (اجتماعی، اقتصادی، انسانی) بر سلامت مورد توجه قرار گرفته است. در گذشته آموزش سلامت به عنوان واژه‌ای که در برگیرنده طیف وسیعی از اقدامات، شامل بسیج اجتماعی و حمایت همه جانبه بوده مورد استفاده قرار می‌گرفت. اکنون این روش‌ها در اصطلاح ارتقای سلامت گنجانده شده و تعریف خیلی محدودتری از آموزش سلامت به منظور تأکید بر تفاوت‌های بین این دو حوزه (آموزش سلامت و ارتقای سلامت) ارائه شده است (جیرا و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۷).

### ۳-۱. قلمرو آموزش سلامت و حق بر سلامتی

هرچند که مفهوم حق بر سلامتی در بین عموم مردم ممکن است با مراقبت‌های درمانی و بهداشتی همراه باشد، اما حق بر سلامتی مفهوم و گستره‌ای فراتر از این مفهوم می‌تواند داشته باشد و ممکن است شامل سطح وسیعی از عوامل و ابعادی باشد که برای داشتن زندگی سالم، ما را کمک نماید؛ لذا: برای پی بردن به گستره مفهومی، قلمرو و محتوای حق بر سلامتی، لازم است نگاهی به اسناد بین‌المللی مربوط به این حق بیاندازیم. شناسایی جهانی حق بر سلامتی به معنای روشن بودن مفهوم و محتوای این حق به‌طور کامل نیست و در واقع تبیین حق بر سلامتی کاری بسیار دشوار و پیچیده است. عوامل مهمی که باعث دشواری ارائه تعریف جامعی از حق بر سلامتی می‌گردد، عبارت‌اند از:

الف) نارسایی تعبیر حق بر سلامتی: سلامتی در معنای لغوی محدود به کارکرد عادی و بهینه یک ارگانیزم در حالتی فارغ از مریضی یا ناهنجاری اطلاق می‌شود. اما در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی از سلامتی چنین تعریف نموده است: سلامتی عبارت است از وضعیت رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و تنها به نبود بیماری اطلاق نمی‌شود. سلامتی مسأله‌ای است که جنبه نسبی دارد. یعنی نسبت به اشخاص و محیط زندگی و نوع فعالیت و کار آنان ممکن است کاملاً متفاوت باشد. بیماری هم ممکن است جنبه موقت یا ناپایدار داشته باشد و یا خود امری طبیعی در برخی شرایط و نسبت به برخی افراد باشد. مثلاً نمی‌توان گفت فردی که به حمله ناگهانی دریازدگی دچار می‌شود سلامتی خود را از دست داده است. البته می‌توان گفت سلامتی یعنی فقدان بیماری مستمر و عافیت و تندرستی. از این روی وقتی سخن از حق بر سلامتی می‌شود نباید آن را به حق بر سالم بودن، مریض بودن، ناتوان شدن و امثال آن تعریف کرد. با توجه به این مطلب در انتخاب تعبیر درست برای چنین حقی و به کار بردن مناسب‌ترین واژه برای آن، اختلاف نظر وجود دارد. با این که عبارت حق بر سلامتی کاربرد وسیع‌تری دارد، تعبیری چون حق بر مراقبت سلامتی، حق بر مراقبت پزشکی، حق بر حمایت از سلامتی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیفی و حاجی ملا، ۱۳۹۸: ۱۲).

### ۴. ماهیت آموزش سلامت در رویه دولتها

حق بر سلامت؛ یکی از مفاهیم بنیادین توسعه است که در کنار سایر حقوق بشری که همه از زیربناهای توسعه هستند مطرح می‌شود؛ چرا که از یک سو، سلامتی وابسته به پیش شرط‌های فراوانی برای حفظ و تداوم است و وضعیتی است که همواره در معرض آسیب بوده و این مسئله خود مستلزم جلوگیری یا کاستن از عوامل تهدید کننده می‌باشد. از سوی دیگر، بازگرداندن سلامتی پس از ابتلا به عوامل تهدید کننده و وجود امکانات و مراقبت‌های پزشکی در این راستا، لازم می‌باشد. به عبارتی، علاوه بر اینکه احقاق حقوق سلامتی عمومی و خصوصی در جوامع، از زیربناهای دستیابی به جامعه‌ای توسعه یافته می‌باشد، توسعه یافتگی نیز از اصول اولیه احقاق حقوق سلامتی است و همین امر حضور دولت‌ها در این فرآیند را، به دلایل تضمین دسترسی مالی به خدمات سلامت فردی و عمومی، عدالت در ایجاد شرایط مناسب سلامتی برای افراد، جلوگیری از افتادن افراد در ورطه فقر به خاطر هزینه‌های سلامتی و ... بسیار پررنگ می‌کند (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵).

1. Jira
2. Right to Health



هرچند که سلامتی و بهداشت فردی مفهومی ذهنی و مبهم داشته باشد، اما عاملی مهم در رفاه و کرامت انسانی است. در این خصوص مسؤولیت معینی برای دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها نمی‌توانند بهداشتی بهینه را تضمین کنند، اما نهادهایی هستند که مناسب‌ترین در تأمین آن دسته شرایط اساسی محسوب می‌شوند که بهداشت و سلامت فرد به اتکای آن حفظ و احیاناً بهبود پیدا می‌کند. در پی تلاش‌های جامعه بین‌المللی در جهت حمایت از حقوق بشر، عوامل تأثیرگذار در تحقق حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفتند. از میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق به برخورداری از سلامتی یا حق بر سلامتی یکی از حق‌های بنیادین بشری شناخته شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی گره خورده است. علاوه بر این، حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار دارد نیز از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می‌شود. به این ترتیب حق بر سلامتی را می‌توان حلقه ارتباط نسل‌های مختلف حقوق بشر قلمداد نمود. حق بر سلامتی به منزله حقی از حقوق بشر در اسناد ملی و بین‌المللی جایگاه والایی دارد و می‌توان آن را از اصول کلی پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی توسعه یافته محسوب نمود. اولین و کل‌یترین تجلی حق بر سلامتی در اسناد بین‌المللی، منشور ملل متحد است.

عامل دیگری که به دشواری تعریف حق بر سلامتی می‌افزاید، وجود ابعاد گوناگون برای سلامتی و حوز ههای متنوعی است که به سلامتی مرتبط می‌گردند. در اسناد بین‌المللی که مورد اشاره قرار گرفت، عموماً از سلامتی جسمی و روانی و بعضاً از سلامتی معنوی و اجتماعی سخن رفته است. اگر هم توافقی نسبی در مورد سلامتی جسمی وجود داشته باشد، یافتن اجماع و اتفاق نظر بر سر سایر ابعاد سلامتی بسیار دشوار است. اگر به سلامتی روحی یا روانی اشاره کنیم مشخص نیست که منظور از سلامتی روحی یا روانی دقیقاً چیست؛ فردی که از نظر روانی سالم تلقی می‌شود، دارای چه خصوصیتی می‌باشد؛ البته ممکن است که شخص از نظر جسمی فردی قوی و مقاوم در برابر ابتلا به بیماری و توانایی مبارزه با مشکلات جسمی و دیگر ابعاد محیط فیزیکی خود را داشته باشد، اما از نظر وضعیت روحی ناسالم به حساب آید (ذاکریان امیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۹).

باید توجه داشت که این که معیار واحد و روشنی برای تعیین سلامتی روانی وجود ندارد. مثلاً برخی گفته‌اند فرد در صورتی از نظر روانی سالم است که کارکرد و رفتار منطقی خوبی داشته باشد. برخی دیگر معتقدند فرد سالم به لحاظ روانی کسی است که رفتار او همانند اکثر همگنان خود باشد. حوزه‌های بسیار متنوعی در تحقق و تداوم این وضعیت و توانایی از یکسو و متأثر ساختن و تهدید آن از سوی دیگر دخیل می‌باشند؛ اولاً: این وضعیت انسانی وابسته به پیش شرط‌هایی برای حفظ و تداوم است. محیط زیست سالم، آب سالم آشامیدنی، تغذیه سالم، شرایط سالم کاری و حرفه‌ای، نظافت و بهداشت، با حق‌های بشری دیگری ارتباط پیدا می‌کند: حق حیات، حق بر غذا، مسکن و پوشاک، حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، حق بر شغل و حق بر آموزش و پرورش. ثانیاً: سلامتی وضعیتی بسیار شکننده و لرزان است که همواره در معرض تهدید و آسیب می‌باشد. این مسأله خود مستلزم جلوگیری یا کاستن از عوامل تهدیدکننده مثل آلودگی زیست محیطی است. از سوی دیگر نیاز به بازگرداندن سلامتی پس از ابتلا به عوامل تهدیدکننده، وجود امکانات و مراقبتهای پزشکی را ضروری می‌سازد. بنابراین تعریف حق بر سلامتی به گونه‌ای که از حق‌های همجوار و مرتبط متمایز گردد و حوزه‌هایی را که مستقیماً به سلامتی مربوط می‌شود دربرگیرد، مشکل‌تر خواهد بود. وقتی عبارت حق بر سلامتی به عنوان یک حق بشری مستقل شناخته شده در اسناد حقوقی بین‌المللی موضوع تعریف قرار می‌گیرد، باید توجه کرد که سلامتی موجود در این عبارت را نمی‌توان دقیقاً به همان معنای معمول و متعارف گرفت. یعنی تعاریف فلاسفه، ارکان و مراجع سلامتی عمومی، فرهنگ‌ها و دانش‌نامه‌ها و نظام‌های پزشکی را نمی‌توان معیار یک اصل و قاعده حقوقی دانست که در وضعیت‌های خاص قابل اجرا باشد. این نوع تعاریف کلی و گسترده در حقیقت نشانگر هدفی است که باید تلاش‌ها و منابع دولتها برای تحقق آن به کار گرفته شود و از سوی سیاستگذاران به عنوان چراغ راه تلقی گردد. آنچه در علم حقوق مورد نیاز است، این است که ضوابطی برای مشخص شدن حق بر سلامتی داشته باشیم تا بتوانیم دقیقاً مشخص نماییم که دولت‌ها در قبال ارائه خدمات برای ارتقای حق بر سلامتی چه تکالیف مشخصی دارند و چگونه می‌شود عدم ایفای این تکالیف را به اثبات رساند و مسؤولیتی بر دوش دولت نهاد (باقری حامد، ۱۳۹۸: ۱۰۳).



## ۵. جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین المللی حقوق بشر

بسیاری از اسناد بین المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشری، حق بر سلامتی را به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخته‌اند که مختصراً می‌توان به ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظر کلی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۸ به عنوان ناظر بر اجرای مقررات میثاق در زمینه حق بر سلامتی، فعالیت کمیسیون حقوق بشر و متعاقب آن شورای حقوق بشر و همچنین تلاش‌های سازمان بهداشت جهانی در تبیین حق بر سلامتی اشاره نمود.

الف) ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵ میلادی): در ماده ۵۵ منشور سازمان ب هطور ضمنی به مسأله حق بر سلامتی اشاره شده است. در این ماده سازمان ملل را موظف به ارتقای استانداردهای بالاتر زندگی و پیدا نمودن راهکارهای مناسب در جهت ارتقای این حق نموده است.

ب) ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، از حق بر سلامتی صریحاً اشاره‌ای نشده است. اما نکات مهمی درخصوص این حق در این ماده وجود دارد که شایسته تأمل است. این ماده مقرر می‌دارد: هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود؛ مادران و کودکان حق دارند که از کمک دولت و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند. این ماده را بیشتر می‌توان حاوی حق بر سطح آبرومند زندگی که شامل شرایطی که برای سلامتی فرد کافی باشد، دانست و نه دقیقاً منعکس کننده حق بر سلامتی. در بند ۱ این ماده دو حق به هم مرتبط ذکر شده است: حق برخورداری از استانداردی از زندگی که در آن نیازهای اساسی فرد و خانواده‌اش به‌طور کامل برآورده شود. این نیازهای اساسی شامل سلامتی و رفاه می‌شود و چنانچه فردی در وضعیت مطلوب سلامتی و رفاه باشد، حق فوق تأمین شده است. سلامتی معیار تحقق حق بر حداقلی از استاندارد زندگی است. در این بند ابزار دستیابی به این حق ذکر نشده است. معنای حق بر استانداردی کافی از زندگی این نیست که همه آنچه لازمه زندگی اوست مستقیماً به وی داده شود. کرامت و استقلال فرد که مبنای کلی نظام حقوق بشر اقتضا م یکنند دست نیاز به سوی دیگران از جمله دولت دراز نکند.

به تعبیر دیگر، خود فرد باید با تلاش و منابع خود نیازهای اساسی خود را تأمین کند. اما تأمین این نیازها توسط خود فرد مستلزم نظامی اقتصادی و اجتماعی است که در آن تلاش فردی به چنین نتیجه‌ای بینجامد. وظیفه دولت در این میان، حراست و حفاظت از چنین حقی با برقراری چنین نظامی است نه تبدیل شدن به صندوق خیریه گداپروور. تعهد دولت در درجه اول تعهد به احترام و حمایت است. نه تعهد به ایفا. بنابر این تابع فعال حق بر استاندارد کافی از زندگی در حالت عادی و معمول، خود فرد است. به این معنا که فعالیت‌های اقتصادی برای تأمین معاش با تلاش خود وی آغاز می‌شود. حق دوم که در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی به آن تصریح شده است، حق بر تأمین خدمات اجتماعی در صورت فقدان سلامتی، بیکاری، نقص عضو و سایر موارد خارج از اراده فرد است. در این مواقع شخص به‌طور موقت یا دائم قادر نیست حق اول را با تلاش خود تأمین کند. حق دوم در حالتی غیرعادی به شخص تعلق می‌گیرد و مستلزم دسترسی مستقیم به شبکه‌ای از خدمات اجتماعی است. یعنی چنانچه شخصی فاقد سلامتی باشد یا در سایر وضعیت‌هایی باشد که نتواند نیازهای اساسی خود و خانواده‌اش و از جمله خدمات پزشکی را تأمین کند، حق مطالبه آن‌ها را دارد و دولت متعهد است این حق را تأمین کند (عباسی، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

ج) ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صراحتاً در زمینه حق بر سلامتی در نظام بین الملل حقوق بشر اشاره نموده است. در این ماده چنین آمده است:

-دولت‌های عضو میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین حال سلامتی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند؛





-تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

- (الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ‌ومیر کودکان و رشد سالم آنان؛
  - (ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات؛
  - (ج) پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین مبارزه علیه این بیماری‌ها؛
  - (د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.
- در بند ۱ این ماده به حق بر سلامتی پرداخته شده و بند ۲ آن نیز اقدامات ضروری برای نیل به این حق می‌باشد (زمانی، ۱۳۹۸: ۶۹).

### ۶. چالش‌های موجود در زمینه آموزش شهروندی

آموزش شهروندی در مورد چگونگی تشویق مردم به پذیرش نقش شهروندی و تمرکز بر منافع جمعی است. شهروندی از یک سو دارای ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر شامل ابعاد عاطفی مرتبط با فرهنگ و هویت فرد است. در پایین‌ترین سطح، شهروندان باید از مسئولیت‌ها، حقوق و هویت‌های مختلف خود آگاه باشند. بدیهی است که کسب این دانش مستلزم آموزش حقوق بشر است و محیط یادگیری را فراهم می‌کند که در آن احساسات و انتخاب‌های افراد فضایی برای کشف و تقویت داشته باشد. آموزش شهروندی به عنوان ابزاری برای ایجاد حس تعلق و احساس هدف در زندگی برای اعضای جامعه استفاده می‌شود. هدف اصلی برنامه‌های آموزش شهروندی، مشارکت دادن افراد در فعالیت‌های مرتبط با حوزه زندگی آن‌ها (جامعه) است. آموزش مؤثر شهروندی باعث ایجاد اعتماد به نفس می‌شود و رفتار مسئولیت پذیر اجتماعی و اخلاقی را از همان ابتدا آموزش می‌دهد. یکی دیگر از جنبه‌های این آموزش، درگیر کردن افراد جامعه با وضعیت معیشتی و مشکلات شهروندان ساکن در آنجا است. امروزه آموزش شهروندی با درک چالش‌های جامعه مدرن که برخی از آن‌ها توسط دیلا مطرح شده است، به دنبال القای اصول اولیه شهروندی برای مردم است. این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- امروزه مردم موانع ملی را درک می‌کنند و به سرعت به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند.
- امروزه مردم علاوه بر حقوق فردی، از حقوق اقلیت‌های محلی نیز آگاه هستند.
- مردم امروز می‌دانند که ساختارهای سیاسی موجود در حال فروپاشی است و ساختارهای سیاسی جدید در حال رشد هستند.
- امروزه نقش و جایگاه زنان در جامعه تغییر کرده است.
- امروزه مدل‌های اشتغال و کسب‌وکار تغییر کرده و اقتصاد جهانی تأثیر عمیقی بر روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذاشته است.

- امروزه جمعیت جهان رو به افزایش است و عواقب نامعلومی بر وضعیت زندگی مردم بر جای می‌گذارد.
- امروزه انقلاب اطلاعات، ارتباطات و فناوری تأثیرات عظیمی بر جامعه گذاشته است.
- امروز شکل جدیدی از جامعه در حال ظهور است و با آن اعتراض نیز همراه است.
- امروزه همه کشورهایی که با چالش‌های فوق مواجه هستند به یک باور مشترک دست یافته‌اند و آن، نقش مهمی است که نظام تعلیم و تربیت، به ویژه، تعلیم و تربیت شهروندی می‌تواند در پاسخ به این چالش‌ها ایفا کند (فتحی و اجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

### ۷. اهداف و اصول آموزش شهروندی

تورنی پورتا، مهم‌ترین اهداف آموزش شهروندی را به شکل زیر مطرح نموده است:

افزایش مسئولیت پذیری شخصی؛ فراهم آوردن زمینه برای رشد روحی و روانی؛ افزایش احترام و تساوی فرصت‌ها برای دختران و زنان؛ کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی؛ مبارزه با بد رفتاری با محیط زیست؛ افزایش و



تقویت غرور و افتخار در سطح جامعه محلی؛ ایجاد هویت ملی؛ حل تضادهای ناشی از حقوق، وظایف و ارزش‌های مختلف؛ تقویت روحیه مشارکت در عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه؛ بالابردن قدرت تحمل و بردباری. آموزش شهروندی به آن بخش از فعالیتهای تعلیم و تربیت اطلاق می‌شود که در اشکال رسمی افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده و جامعه پذیر می‌کند. فیلسوفان سیاسی و مفسران بیان می‌دارند که ابعاد مفهوم شهروندی را می‌توان در یک طیف یا پیوستار قرارداد. که در ابتدا و انتهای طیف دو رویکرد یا تفسیر حداقلی و حداکثری از شهروندی وجود دارد.

۱. تفاسیر حداقلی، بر یک رویکرد رسمی و محدود به تربیت شهروندی منجر می‌شود، آنچه که اصطلاحاً "تربیت مدنی" خوانده می‌شود. تأکید این رویکرد بر برنامه‌های آموزش رسمی که از طریق برنامه‌های درسی مشخص، آموزش‌های نظری که محوریت با معلم است انجام می‌گیرد.

۲. تفاسیر حداکثری، یک تعریف وسیع از شهروندی را مشخص می‌کند، به طوری که همه گروه‌ها و علاقه‌مندان را در جامعه تحت پوشش قرار می‌دهد. هدف در این رویکرد فقط کسب دانش و آگاهی نیست، بلکه استفاده از این آگاهی‌ها و دانش‌ها برای افزایش میزان مشارکت در امور مختلف جامعه محلی و بین‌المللی است. در این رویکرد بر بحث و گفتگو، تعامل و تجارب مشارکتی، کارپروژه‌ای اهمیت داده می‌شود و تجارب درون و بیرون کلاس را شامل می‌شود. تفاسیر حداکثری به یک ترکیب وسیع از رویکردهای رسمی و غیررسمی منجر می‌شود که اصطلاحاً آموزش شهروندی نامیده می‌شود. آموزش شهروندی به‌طور عمده به عنوان ایجاد دانش، مهارت و نگرش‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌گردد که قادر می‌سازد دانش‌آموزان به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۴ و ۱۵).

آموزش شهروندی به آموزشی گفته می‌شود که به توسعه و پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندی منجر می‌شود چنین آموزشی الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع ملتهای خاص قابل درک است. زیرا در هر جامعه‌ای ارزش‌ها طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همواره الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه تأسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی می‌باشد (طالب‌زاده و فتحی ۱۳۸۲ به نقل از کمبلیس، ۱۹۹۷). آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای تا حد زیادی تابع فرهنگ، تاریخ، حکومت و شیوه اداره آن کشور و به‌طور کلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است. مقوله آموزش شهروندی با آموزش ارزش‌ها به شدت گره خورده است و رموز و پیچیدگی‌های موجود در ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای تصویری متفاوت بر شهروندان و صلاحیت‌های ضروری آنان می‌دهد. برای مثال «لی» در مطالعه‌ای اهداف مهم آموزش شهروندی را مشتمل بر فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی افراد افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل شناسایی نموده است. به همین ترتیب فتحی در مطالعه‌ای، این اهداف را برای جامعه ایران در سه حیطه «شناخت و آگاهی مدنی»، «مهارت‌های مدنی» و «بینش مدنی» طبقه‌بندی نموده است (فتحی، ۱۳۸۱: ۸۶).

«بوتس» تاریخ دان برجسته تعلیم و تربیت اهداف آموزش شهروندی را در کشور آمریکا مورد مطالعه و بررسی قرار داده که این اهداف را به دو دسته اساسی هدف‌های مرتبط به «وحدت و اتحاد» در جامعه و هدف‌های مرتبط با «تکثرگرایی» تقسیم می‌کند و زیرمجموعه هر یک از آن‌ها را به شرح زیر بر می‌شمارد:

۱. وحدت و اتحاد در جامعه شامل عدالت، تساوی و برابری، قدرت و اقتدار، مشارکت، الزام شخصی برای خیر عمومی و مانند آن.
۲. تکثرگرایی شامل آزادی، تنوع، حریم و حرمت شخصی، حقوق شخصی، حقوق بشر بین‌المللی و مانند آن به همین ترتیب «هلی‌گین» معتقد است که تدوین برنامه درسی شهروندی در آلمان باید به دنبال تحقق مقاصدی چون تضمین حقوق بشر و تأسیس نهادهایی که امکان فعالیت و ایفای نقش آزادانه را برای نیروهای اجتماعی مختلف فراهم کند، باشد.



### ۸. نقش آموزش در حق بر سلامت

متأسفانه در کشور به آموزش حقوق شهروندی مردم کمتر پرداخته شده است. حقوق شهروندی یک موضوع جدید و عام بوده و بیشتر بحث آموزش آن در دنیا مطرح است هر چند که کشور در این زمینه عقب مانده است اما این عقب ماندگی به معنای بی توجهی به این موضوع نبوده بلکه می توان گفت به کلیت این حقیقت کمتر پرداخته شده است. این طور بگویم حقوق شهروندی بیشتر در دامنه جوانان تعریف شده و هیچگونه تفکیکی در گروه های سنی و جنسی وجود ندارد اما متأسفانه در حال حاضر در کشور به علت عدم توجه به آموزش حقوق شهروندی این حوزه دچار خلاء شده است و جوانان در این زمینه با کمبود اطلاعات از حقوق و وظایفشان مواجه هستند. حقوق شهروندی در جامعه بحثی دوسویه دارد، یک سری وظایف و تکالیفی است که باید شهروندان انجام دهند و یک سری حقوقی است که شهروندان از دولت و حاکمیت طلب دارند که این دو امر بایستی در جامعه آموزش داده شود. اگر بتوان موضوع حقوق شهروندی را از طریق آموزش و پرورش، مدارس و دانشگاه ها برای جوانان آموزش داد، قطعاً آنان خواهند توانست در آینده حق خود را در جامعه مطالبه کنند. چراکه بخشی از حقوق شهروندی به نظارت عمومی، همگانی و عملکرد دولت برمی گردد و جوانان با آشنایی از حقوق خود توانسته عملکرد نظام را از جنبه رعایت این حقوق ارزیابی کنند. (دیبا و آجارگاه، ۱۳۸۱).

### ۹. ضرورت تربیت و آموزش شهروندی در عصر جهانی شدن

امروزه با توجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند. چرا که جهانی شدن نه فقط براققتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ ها و نظام های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می گذارد. به همین دلیل، برنامه ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملتها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن خصوصیات ویژه ای را برای شهروند قرن ۲۱ می طلبد که می توان آن ها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

- ۱) دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن؛
- ۲) دانش مهارت و نگرش دمکراتیک؛
- ۳) توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات؛

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه ای دارند. فناوری اطلاعات: باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملتها شده است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده اند و به نحوه عمل دمکراتیک در درون خود می اندیشیده اند، امروزه به اقدام دمکراتیک در سطح جهانی، بین ملتها بیندیشند. فناوری اطلاعات باعث شده است تا جهان در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است... در نهایت می توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دمکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه عمل دمکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که باتوجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوری های اطلاعاتی خواهد بود (فتحی و آجارگاه، ۱۳۸۵).

### ۱۰. آموزش حقوق بشر و شهروندی در اسناد و قوانین بین المللی حقوق بشری

حقوق بشری همانطور که قبلاً اشاره شد، بدلیل هم پوشانی در مصادیق و مؤلفه های حقوق بشر و حقوق شهروندی، آموزش حقوق شهروندی، روی دیگر سکه آموزش حقوق بشر محسوب می شود. و بدلیل وجود ارتباط قوی بین این دو موضوع، در برخی از کشورها، آموزش حقوق شهروندی ذیل عنوان آموزش حقوق بشر صورت می گیرد. با توجه به این دیدگاه، موضوع در دو بند به شرح ذیل توضیح داده می شود.



### ۱-۱۰. اهمیت و ضرورت آموزش حقوق بشر از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی

آموزش حقوق بشر هم به موجب اعلامیه آموزش حقوق بشر حقی است مستقل برای افراد و هم به موجب اسناد بین‌المللی مرتبط با حق آموزش، عنصری از حق آموزش است. در خصوص ضرورت آموزش حقوق بشر می‌توان گفت که آموزش حقوق بشر می‌تواند به استیفای حقوق بشر افراد، پیشگیری از نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ایجاد جوامعی آزاد، عدالت محور و صلح طلب کمک نماید. همچنین آموزش حقوق بشر راهبردی مؤثر برای دفاع و حمایت از حقوق بشر است (انصاری، ۱۳۹۳: ۲۴۳). ضرورت آموزش حقوق بشر و شهروندی، گاهی به صورت تلویحی و گاهی به صورت صریح در برخی از اسناد و قوانین حقوق بشری پیش بینی می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۳ و کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۲۸ به‌طور ضمنی به این موضوع توجه نموده است. بند ۳۳ اعلامیه و برنامه عمل وین که در کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳) صادر گردید، بر ضرورت آموزش حقوق بشر تأکید کرده و بر اهمیت قرار دادن موضوع حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در برنامه‌های آموزشی مدارس تأکید و اجرای آنرا از سوی دولت‌ها درخواست می‌نماید. برای برجسته کردن اهمیت و ضرورت آموزش حقوق بشر در جهان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از اول ژانویه سال ۱۹۹۵ لغایت ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۴ میلادی را به عنوان دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرد. و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر (۲۰۱۱) بر ارائه آموزش‌های حقوق بشر در مقاطع پیش دبستان و دبستان و دبیرستان تصریح و تأکید نموده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اسناد و قوانین بین‌المللی حقوق بشری، نه تنها براهمیت و ضرورت آموزش حقوق بشر توجه دارند. بلکه براهمیت آن در رسیدن به اهداف حقوق بشری نیز تأکید می‌شود.

### ۱-۲. تعاریف آموزش حقوق بشر از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی

هنوز تعاریف مختلفی از آموزش حقوق بشر وجود دارد، بنابراین می‌توان ادعا کرد که تعریف واحدی از آموزش حقوق بشر وجود ندارد (آقای شولامس کوینگ در سال ۲۰۰۲ بیش از ۳۰۰۰ تعریف از مریدان حقوق بشر را از وب سایت Human Rights Education Associates به دست آورد) اما برای طولانی نشدن بحث، این مقاله تنها به تعاریف آموزش حقوق بشر از منظر حقوق بشر می‌پردازد. اسناد و قوانین در بند سوم، برنامه جهانی آموزش حقوق بشر، آموزش حقوق بشر را اینگونه تعریف می‌کند: «مجموعه فعالیت‌های آموزشی، آموزش و کسب اطلاعات لازم برای ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر و به ویژه برای بهبود احترام به حقوق بشر و حقوق بشر آزادی‌های اساسی، تضمین شکوفایی کامل مردم و توسعه حس کرامت، ترویج درک متقابل، بردباری، برابری جنسیتی و دوستی، کمک به همه مردم برای مشارکت مؤثر در امور یک جامعه آزاد و دموکراتیک مبتنی بر اصول قانونی، ثبات و حفظ صلح و بهبود توسعه پایدار و عدالت اجتماعی (اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۳). اعلامیه آموزش حقوق بشر (۲۰۱۱) آموزش حقوق بشر را چنین تعریف می‌نماید: "مجموع فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و اطلاع رسانی که با هدف ارتقای احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و رعایت آن‌ها صورت می‌گیرند و با مجهز کردن افراد به دانش و مهارت، از جمله پیشگیری از نقض حقوق بشر با سوء استفاده از این حقوق کمک می‌کنند و با شکل دهی به نگرش‌ها و رفتارها، افراد را به ایجاد ارتقای فرهنگ جهانی حقوق بشر توانمند می‌سازند (انصاری، ۱۳۹۳: ۲۴۲). دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در مجموعه رهنمودهای خود برای برنامه عمل ملی در چهار چوب دهه آموزش حقوق بشر ملل متحد، چنین تعریفی از آموزش حقوق بشر دارد: "مجموع فعالیت‌هایی آموزشی، ترویجی و اطلاع رسانی که باهدف ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر از طریق اشاعه دانش، تعلیم مهارت‌ها و شکل دهی به نگرش‌ها صورت می‌گیرد." عفو بین‌الملل آموزش حقوق بشر را به عنوان برنامه‌ای تعریف می‌کند که هدف آن ارائه دانش و درک حقوق بشر و تلاش برای گنجاندن ارزش‌های حقوق بشر در برنامه‌ها و آموزش‌های رسمی و غیررسمی است. می‌توان گفت آموزش حقوق بشر مجموعه‌ای از آموزش‌ها در جهت‌های زیر است:

الف- ایجاد آگاهی نسبت به ارزشهای مرتبط با حقوق بشر؛

ب - توسعه و تقویت احترام به حقوق بشر از طریق آموزش؛

ج- آشنایی با روش‌های تأیید برای مقابله با نقض حقوق و تعهدات و اجبار به رعایت آن‌ها (اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۴).

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



همانطور که از تعریف برمی آید، بررسی حقوق بشر نقش ثنوری دارد و هدف ایجاد، تغییر در نگرش و طرز فکر افراد، که آن‌ها را قادر می‌سازد شخصیت خود را در جامعه بهبود بخشند.

لذا آموزش حقوق بشر شامل یادگیری و تمرین حقوق بشر است. به‌طور کلی می‌توان گفت آموزش حقوق بشر ناظر به سه حوزه اصلی است:

- ۱- آموزش‌هایی که سطح «دانش» مخاطبان را در خصوص حقوق بشر ارتقا می‌دهند. برای مثال، آموزش‌های که به معرفی اسناد حقوق بشر، تحولات تاریخی مربوط به حقوق بشر می‌پردازد (حیطه شناختی).
- ۲- آموزش‌هایی که شناسایی و معرفی ایستارها و «نگرش‌های حقوق بشری یا معیار با حقوق بشر را هدف قرار داده‌اند، از جمله توجه دادن افراد به مسئله‌شان و کرامت انسان، برابری انسانها و ... که می‌تواند افراد را برای مشارکت فعال در جامعه آماده سازد.
- ۳- آموزش‌هایی که «مهارت‌های حقوق بشری مخاطبان را افزایش می‌دهد و آن‌ها را در احقاق حقوق خویش و بازداشتن از نقض حقوقشان توانا می‌سازد، از جمله مهارت‌های مربوط به حل مسئله، همکاری و... (حیطه روانی - حرکتی) اما آنچه مسلم است این می‌باشد که هدف نهایی از آموزش حقوق بشر توانمند ساختن افراد است و توانمندسازی " فرایندی است که کنترل و تسلط مردم و یا اجتماعات را بر زندگی و تصمیمات مؤثر بر زندگی خودشان را افزایش می‌دهد.

### ۱۰-۳. محتوا و اهداف آموزش حقوق بشر و شهروندی در اسناد و قوانین بین‌المللی حقوق بشری

محتوای آموزش حقوق بشر از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی تمامی آموزش‌هایی که به دانش، مهارت و ارزش‌های حقوق بشری و حقوق شهروندی مربوط می‌شوند، جزئی از آموزش حقوق بشر و شهروندی هستند. بطور کلی در آموزش حقوق بشر و شهروندی، انتظار می‌رود مخاطبین با سه حوزه آشنایی پیدا کنند: آگاهی و دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی خود و هم نوعان خود، احترام به حقوق برابر دیگران و یادگیری حمایت در حد ممکن از حقوق بشر دیگران (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۱). هرچند که لازم است در آموزش حقوق بشر و شهروندی به هر گروه هدف و هر مخاطب خاص، مطالب مشخصی آموزش داده شود. یعنی محتوای آموزش حقوق شهروندی و بشر می‌تواند براساس نیازهای آموزشی گروه مخاطبین متفاوت باشد ولی مواردی وجود دارد که می‌توانند در تمامی دسته‌های مخاطبین یکسان آموزش داده شوند از قبیل: آموزش تاریخچه و اسناد حقوق بشر و شهروندی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بین‌المللی و اعلامیه دهه آموزش حقوق بشر و آموزش مسئله محور در فرآیند آموزش حقوق بشر که بر مشکلات حقوق بشری و شهروندی تمرکز نماید، امری اجتناب ناپذیر می‌نماید، و تعلیمات موضوعات روز حقوق بشر از دیگر نکات حائز اهمیت در آموزش حقوق شهروندی و آموزش حقوق بشری است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه راجع به دهه آموزش حقوق بشر (۱۹۹۴-۲۰۰۴) اعلام کرده است که آموزش حقوق بشر باید شامل چیزی بیش از آموزش مواد و موازین حقوق بشری مندرج در اسناد و قوانین حقوق بشر باشد. آموزش حقوق بشر باید آیین زندگی را یاد دهد و مردم به وسیله آن یاد بگیرند که در تمامی برهه‌های زندگی و مراحل توسعه به کرامت ذاتی دیگران احترام بگذارند (انصاری، ۱۳۹۳: ۲۴۷) اعلامیه کنفرانس وین ۱۹۹۳ بر گنجاندن، صلح، دموکراسی، توسعه و عدالت اجتماعی، حقوق بشردوستانه و حاکمیت قانون در محتوای آموزش‌های حقوق بشری تأکید می‌نماید. اعلامیه آموزش حقوق بشر، محتوای آموزش حقوق بشر را شامل این سه آموزش دانسته است:

- ۱- آموزش حقوق بشر که در آن شناخت و شناخت قواعد و اصول حقوق بشر و ارزش‌هایی که مبنای آن‌هاست و ابزار حمایت از آن‌هاست داده شود.
- ۲- آموزش از طریق حقوق بشر که شامل آموزش به نحوی است که حقوق مربیان و فراگیران رعایت شود.
- ۳- آموزش حقوق بشر که شامل توانمندسازی افراد برای برخورداری از حقوق خود و احترام به حقوق دیگران است. ۴- از دیدگاه اسناد و قوانین بین‌المللی مصوب سازمان ملل، اهداف آموزش حقوق بشر، اهداف آموزش حقوق بشر را می‌توان به وضوح و روشنی درک کرد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، "به رسمیت شناختن کرامت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق مساوی و مسلم آن‌ها برای آزادی، عدالت و صلح اساس است". علاوه بر این، ماده ۲۶ نیز به وضوح بر هدف تقویت و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر تأکید دارد.



کنگره بین‌المللی حقوق بشر در وین (۱۹۷۸) اهداف آموزش حقوق بشر را اینگونه تعریف می‌کند: «تشویق ارتباطات مبتنی بر تنوع، احترام و همبستگی، کسب دانش و درک حقوق بشر و توانمندسازی مردم برای اطلاع‌رسانی در مورد راه‌ها و به معنای. با کمک آن‌ها می‌توان حقوق بشر را به واقعیت اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد (نواب دانشمند، ۱۳). برنامه اقدام دهه آموزش حقوق بشر، هدف آموزش حقوق بشر را برای دستیابی به پنج نتیجه زیر حفظ می‌کند. الف) تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ ب) تردیدهای همه جانبه در مورد مفهوم شخصیت انسان و حیثیت و ارزش شخصی آن. ج) ترویج تفاهم خوب، تنوع، برابری بین زن و مرد و دوستی بین همه کشورها، مردمان بومی و گروه‌های قومی، ملی، قومی، مذهبی و زبانی. د) همه مردم از ابزارهای لازم برای مشارکت واقعی در یک جامعه آزاد بهره‌مند شوند. ه) تقویت و تقویت فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۸) باشد. آموزش حقوق بشر باید آیین زندگی را یاد دهد و مردم به وسیله آن یاد بگیرند که در تمامی برهه‌های زندگی و مراحل توسعه به کرامت ذاتی دیگران احترام بگذارند (انصاری، ۱۳۹۳: ۲۴۷). اعلامیه کنفرانس وین ۱۹۹۳ بر گنجاندن، صلح، دموکراسی، توسعه و عدالت اجتماعی، حقوق بشردوستانه و حاکمیت قانون در محتوای آموزش‌های حقوق بشری تأکید می‌نماید. اعلامیه آموزش حقوق بشر، محتوای آموزش حقوق بشر را شامل این سه آموزش دانسته است:

۱. آموزش درباره حقوق بشر که مشتمل است بر ارائه دانش و فهم قواعد و اصول حقوق بشر و ارزش‌هایی است که مبنای آن‌ها هستند و ساز کارهای حمایت از آن‌ها.
۲. آموزش از مجرای حقوق بشر که مشتمل است بر آموزش به روشی که به حقوق تعلیم‌دهندگان و آموزش‌بینندگان احترام بگذارند.
۳. آموزش برای حقوق بشر که مشتمل است بر توانمند کردن اشخاص تا از حقوق خود متمتع شوند و به حقوق دیگران احترام بگذارند.

#### ۱۰-۴. اهداف آموزش حقوق بشر از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی

از طریق اسناد تأیید شده توسط سازمان ملل می‌توان اهداف آموزشی حقوق بشر را به وضوح و روشن درک کرد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، «به رسمیت شناختن کرامت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق مساوی و غیرقابل انکار آن‌ها، اساس آزادی، عدالت و صلح است». علاوه بر این، ماده ۲۶ نیز به صراحت بر هدف حمایت و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر تأکید دارد. کنگره بین‌المللی حقوق بشر در وین (۱۹۷۸) هدف از آموزش حقوق بشر را این گونه اعلام کرد: «ارتقای روابط مبتنی بر تنوع، احترام و وحدت، کسب دانش و اطلاعات در مورد حقوق بشر و آگاهی مردم از راه‌ها و ابزارها در برخورد با آن‌ها، حقوق بشر می‌تواند به واقعیت اجتماعی و سیاسی تبدیل شود» (نواب دانشمند، ۱۳). در برنامه عملی دهه آموزش حقوق بشر، هدف از آموزش حقوق بشر دستیابی به نتایج پنج‌گانه زیر فرض شده است. ج) ارتقای درک خوب، تنوع، برابری زن و مرد و دوستی میان همه مردم تنوع ملی، ملی و قومی، ملی، قومی، مذهبی و زبانی، د) منابع لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه آزاد را برای همه فراهم کند. ه) ترویج و گسترش کار سازمان ملل متحد برای حفظ صلح. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۸)

#### نتیجه‌گیری

آموزش حق بر سآموزش مدنی یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی اجتماعی عصر ماست که در طول تاریخ به اشکال مختلف و با تفاسیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رایج بوده است. امروزه به دلیل مشکلاتی مانند تمرکززدایی قدرت، گسترش فوق‌العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مشکلات کلی جهانی مانند آلودگی محیط‌زیست، صلح و امنیت جهانی، آموزش مدنی نه تنها در سطح مورد توجه قرار گرفته است. و محلی، بلکه بین‌المللی. کارشناسانی که تکامل مفهوم شهروندی را مطالعه کرده‌اند

1. Education about human rights
2. Education through human rights
3. Education for human rights

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



موافق اند که شهروندی حق افراد را برای اعمال حقوق و تعهدات جمعی شهروندان بر اساس مدیریت صحیح موردی به رسمیت می‌شناسد. با در نظر گرفتن انتظاراتی که در نظام تعلیم و تربیت برای رشد توانایی‌ها و توانایی‌های انسان وجود دارد، به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و در نتیجه تربیت مدنی از اهمیت بالایی برخوردار باشد. در حالی که شهروندی فراتر از حقوق را در بر می‌گیرد و با مجموعه‌ای از تعهدات متعادل می‌شود، آگاهی از حقوق شهروندی شهروندان را نسبت به مسئولیت‌های خود آگاه و متعهد نگه می‌دارد. بنابراین باید توجه ویژه‌ای به اطلاع رسانی حقوق شهروندی به همگان به ویژه نوجوانان و دانش آموزان به عنوان بخشی از جامعه شود. دانش آموزان یک لایه تحصیل کرده از جامعه هستند که ارتباط تنگاتنگی با آگاهی جمعی و اجتماعی دارند. بنابراین آگاهی آنان از حقوق خود در درجه اول وسیله‌ای برای انجام وظایف و تکالیف است. کار تربیتی به رشد کلی توانایی‌ها و مهارت‌های انسانی و دانش اجتماعی مربوط می‌شود و از این رو آموزش شهروندان بر هیچکس پوشیده نیست، مبتنی بر آموزش سیستمی و نظام آموزشی جامعه خواهد بود، تربیت افراد و مردم خواهد بود. مردم عادی که به سمت پیشرفت و توسعه حرکت می‌کنند. از طریق آموزش، برنامه‌های آموزش شهروندی به دانش آموزان کمک می‌کند تا انگیزه خود را برای کار ایجاد کنند و سبک زندگی سالم را در مدرسه ادغام کنند. حق بر سلامت و آموزش سلامت و سلامت فردی، به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های کرامت انسانی محسوب می‌شود. از این روی حق بر سلامتی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. تعداد قابل توجهی از اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشری، حق بر سلامتی را به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخت هاند. اما متأسفانه تاکنون در مورد مفهوم حق بر سلامتی در این اسناد به‌طور وضوح تعریفی ارائه نگردیده است. از آن جایی که بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق‌های بنیادی هر انسانی شناخته شده است و تأکید گردیده است که سلامتی ملت‌ها، جهت دستیابی به صلح و امنیت، اهمیت بنیادی دارد؛ لذا دولت‌ها در قبال ارتقای حق بر سلامتی تعهداتی برعهده دارند که این تعهدات نظیر هر حق بشری، دارای سه بعد است: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا. شایان ذکر است که حق بر سلامتی حقی جها نشمول محسوب می‌گردد و وظیفه تمام دولت‌هاست که جهت ارتقای این حق چه درخصوص شهروندان و غیر شهروندان خود گام بردارند. علاوه بر آموزش سلامت و حقوق شهروندی، نظام آموزشی نیز نقش شهروندی را برای دانش آموزان تعیین می‌کند و از طریق مدیریت این حقوق به اجتماعی شدن کمک می‌کند. علاوه بر این، می‌توان کارهای زیادی برای مدل‌سازی اجتماعی انجام داد تا به آن‌ها کمک کرد تا یاد بگیرند که مردم الکترونیکی باشند، فناوری و ابزارهای رسانه‌ای را درک کنند، و روش‌های همکاری را نشان دهند و پلی بین حقوق و مسئولیت‌ها ایجاد کنند.

### منابع

- آشتیانی، ملیحه (۱۳۹۳)، بررسی روش‌های مناسب لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی با توجه به موازین دینی در برنامه درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش.
- اسلامی، رضا (۱۳۹۳)، آموزش حقوق بشر، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- انصاری، محمد. (۱۳۹۳)، سیری در نماز، تهران، انجمن خدمات اسلامی.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۶)، سیری در نماز، تهران، انجمن خدمات اسلامی.
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- باقری حامد، یوسف (۱۳۹۸)، آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی، مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۱).
- بسته نگار، محمد (۱۳۸۵)، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، انتشارات سهامی، (۶).
- دیبا، طلعت و فتاحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۱)، تربیت شهروندی، تهران، نشر فاجر.
- ذاکریان امیری، مهدی، بلوری، پیمان، هرمیداس باوند، داوود و یوسف‌باقری، حامد (۱۳۹۸)، چالش‌های امنیت انسانی در پرتو حق بر سلامت و بهداشت عمومی، فقه و حقوق اسلامی، ۱۰(۱۸).

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۰۶ - داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



۱۰. راسخ، محمد (۱۳۹۳)، *حق و مصلحت*، جلد دوم، تهران، نشر نی.
۱۱. راسخ، محمد (۱۳۹۳)، *حق و مصلحت*، جلد اول، تهران، نشر طرح نو.
۱۲. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۸)، شبیه سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین الملل بشر، *پژوهش حقوق و سیاست*، (۱۹): ۶۳-۸۹.
۱۳. سیفی، سیدجمال و حاجی ملا، هیوا (۱۳۹۸)، رهیافت‌های حاکم بر دادرسی پذیری حق بر سلامت در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، *مطالعات حقوقی*، ۱۱(۴).
۱۴. شبانی، ملیحه (۱۳۹۴)، *وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۱۵. عباسی، بیژن (۱۳۹۹)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، تهران، نشر دادگستر.
۱۶. عبدی، یاسین و کتابی‌رودی، احمد (۱۳۹۸)، جایگاه حق بر سلامت در اسلام و حقوق بین الملل، *مجله تأمین اجتماعی*، ۱۲(۳-۲): ۱۷۱-۱۸۱.
۱۷. فتحی، ک (۱۳۸۱) برنامه‌های درسی تربیت شهروندی، *مجله پژوهش دانشگاه اصفهان*، ۱۴(۲): ۲۰۶-۱۸۱.
۱۸. فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۵)، لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه‌ی درسی، *مجله نوآوری‌های آموزشی*، (۱۷).
۱۹. فتحی و اجارگاه، ک و واحدچوکده، س (۱۳۸۸)، *آموزش شهروندی در مدارس*، تهران، نشر آبیژ.
۲۰. فتحی و اجارگاه، ک و دیبا و اجاری، ط (۱۳۸۵)، *تربیت شهروندی*، تهران، نشر فاخر.
۲۱. فرمیپنی فراهانی، محسن (۱۳۸۹)، *تربیت شهروندی*، تهران، انتشارات آبیژ.
۲۲. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، *حقوق بشر در جهان معاصر دفتردوم*، تهران، انتشارات شهردانش.
۲۳. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، *حقوق بشر در جهان معاصر دفتربیکم*، تهران، شهردانش.
۲۴. متقی، سمیرا، سیفی، آناهیتا و درودیان، مجید (۱۳۹۸)، ماهیت حق بر سلامت و جایگاه دولت در تحقق آن، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۸(۲): ۴۰-۶۳.
۲۵. نواب دانشمند، فریبا، بررسی برخی روشهای آموزش حقوق بشر، *مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ۱۳۷(۱۳): ۱۳۷.
۲۶. همتی، مجتبی (۱۳۸۷)، آموزش حقوق شهروندی، *نشریه حقوق اساسی*، (۹).
27. Ahmad, Iftikhar (2004), Islam, Democracy and Citizenship Education: An Examination of the Social Studies Curriculum in Pakistan. *Current Issues in Comparative Education*, 7(1).
28. Butts.R.F. (1982), *The Revival or Civic Education*. Phi Delta Kappa. education Foundation Bloomington, Indiana.
29. Jira, Challi, Feleke, Amsalu & Mitike, Getnet (2019), Health service management for Health science students, Jimma University, Faculty of public Health.
30. Guzzini, Stefano (2000), A Reonstrution of cinstructivism in International relations, *European gornal of International relation*.
31. John, Hubley (2022), *Communicating Health, An action guide Health Education and Health promotion*.
32. Jannie N & Jane W (2018), *Health Promotion Foundations for Practice*, 2nd edition.
33. Meseret, Yazachew & Yihenew, Alem (2022), *Introduction to Health Education*. In collaboration with the Ethiopia Public Health Training Initiative, The Carter Center, the Ethiopia Ministry of Health, and the Ethiopia Ministry of Education.
34. Wend, Alexander (2004), *the agent- structure problem in Inernational organization*.
35. WHO, *Education for Health, A manual on Health Education in Primary Health Care*, 1988, Geneva, WHO.





## The Role of the Government in Promoting the Right to Education with an Emphasis on Health Education

**Forough Ghasemian Hafeshjani**

M.A Student in Public Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran  
ggasemianarezo@gmail.com

**Yasser Roostae Hosseinabadi**

Assistant Professor, Department of Law, Shahid Ashrafi Esfahan, University, Esfahan, Iran  
(Corresponding Author)  
Yasserroostaei@yahoo.com

### Abstract

In relation to the right to health and its education, governments and organizations have many responsibilities and duties. The category of civic education occupies a special place in many international scientific conferences, and the scope of discussion and research in it is increasing. Health education means teaching health issues to people in the community; In other words, the educational process related to providing a combination of approaches to lifestyle change that can help individuals, families and communities make informed decisions about issues that are effective in recovering, achieving and maintaining health is called health education according to Bigman. It can be said that the philosophy of forming any institution or organization is to respond to a specific need or need, and hence the educational system is formed and strengthened to educate and provide efficient and desirable citizens. Social values in society This institution is primarily responsible for educating and preparing the new generation for today's society and its purpose is to familiarize people who want to live in society with the principles, laws, values and social norms required by society.. Of course, not in such a way that they completely adapt and harmonize with it, but they should be able to acquire new knowledge in their culture. In this research, the role and position of the government in promoting the right to education with an emphasis on health education is investigated using analytical description method. Therefore, in the first stage, people's hope from education is to train students who live in society, do good work, have good relations with people, and can also organize social events properly and be indestructible.

**Keywords:** Government, Right to Education, Iranian Rights, Right to Health Education, Right to Education, Human Rights